



سال‌های عطا

فیاض قادری مهرآباد

روایت داستانی از

سرگذشت عطاءالله قادری،

يك نجات یافته از بهائیت



سوره مهرآباد

سرشناسه: قادری مهرآباد، فیاض، ۱۳۵۲-

عنوان و نام پدیدآور: سال‌های عطا: روایت داستانی از سرگذشت عطاءالله قادری، یک نجات‌یافته از بهائیت / فیاض قادری مهرآباد.

مشخصات نشر: تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۹.
صنات ظاهری: ۲۹۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۲۴۷۳-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: یک نجات‌یافته از بهائیت / سرگذشت عطاءالله قادری،
یک نجات‌یافته از بهائیت.

موضوع: داستان‌های ارسطو قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده‌بندی کنگره: PIR2۵۷

رده‌بندی دیوئی: ۸۰۲/۶۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۰۰-۷۲۸



باسم
پاکستان
نظریاتی
فین کتاب
شرکت
تعمید

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



سوره مهر

سال‌های عطا

روایت داستانی از سرگذشت عطاءالله قادری،

یک نجات‌یافته از بهائیت

نویسنده: فیاض قادری مهرآباد

طراح جلد: امیر نجفی

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۳۴۷۲-۴

www.sooremehr.ir

نشانی: انتشارات: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک

تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۹۹۵۱

فروشگاه سرکشی: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان

حاجت، جنب: وزه ساری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲

فروشگاه انقلاب: تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،

جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۳، تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹

فروشگاه اصفهان: اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،

کدپستی: ۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۶۰۰۳۳۲۴۷۳۵-۳۱

Sooremehr.ir

Mehrak.ir

@Sooremehr

(پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳

۱۵۸۱-۱۱۲۱

۳۰۰۵۳۱۹

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

دانلود کتابخوان سوره مهر

با وارد کردن کد تخفیف «hisama» در اولین خرید خود از کتابخوان سوره مهر، ۵٪ تخفیف بگیرید.



در طول تاریخ ایران بعد از اسلام، جنبش‌ها و قیام‌های مختلفی به واسطهٔ مردم و شیوهٔ تعدی‌های داخلی و خارجی صورت گرفته که نکتهٔ بارز این حرکات، بیستگی و بهرهٔ عمومی از مذهب و اتکا بر یاری علما بوده است. این پیشینهٔ سودجویان و استعمارگران را بر آن داشت با رخنه در اعتقاد مذهبی بکوشند این مشخصه را به نفع خود تغییر دهند. بهائیت فرقه‌ای است که با این هدف در میان جامعهٔ شیعی بروز پیدا کرد، اما زمینه‌ساز ایجاد آن بابیه و شیخیه بود. سال ۱۲۴۲ ش، میرزا حسینعلی نوری (۱۲۷۱-۱۲۹۵ ش) با تکیه بر اکاذیب فردی به نام علی محمد شیرازی (۱۲۶۰-۱۱۱۱ ش) خود را پیامبر عصر جدید معرفی کرد و بهائیت را بنیان گذاشت.

درواقع، علی محمد با تکیه بر تعالیم فردی به نام شیخ احمد احسائی (۱۲۰۵-۱۳۲ ش) و استفاده از اوضاع نابسامان مسکوت، که در آن مردم نیاز زیادی به منجی و رهاننده‌ای از وضعیت سفبار موجود احساس می‌کردند، ابتدا خود را باب امام زمان، سپس خود

۱. «دستور نوری برای افزودن این جمله به اذان: شهادت می‌دهم که علی محمد باب امام زمان است.» (عبدالحمید اشراق‌خاوری، ریحان مخنوم، ج ۱، ص ۵۸۵-۵۸۱). باب به معنای در است و چون علی محمد شیرازی در ابتدا خود را نائب امام زمان و دری برای ارتباط مردم

حضرت^۱، پس از مدتی پیامبر عصر جدید^۲ و در آخر ذات الهی معرفی کرده بود^۳ به پیروان او بایی می‌گویند.

با توجه به وضعیت آشفته آن برهه از تاریخ و درماندگی مردم، اگر صحبت‌ها و متن‌های علی محمد شیرازی تا آن اندازه مضحک و پر غلط نبود، شاید پیشرفت خوبی نصیب فرقه باییه می‌شد، اما تھی بودن آشکار محتوای ادعای این شخص و کشتار و هرج و مرج متعددی که بایان در نقاط مختلف کشور به آن دامن زدند موجب شد که مدت از وجه برقراری آرامش و جلوگیری از خونریزی و روانیان در باب اعتقادی و به دلیل دعاوی کذبش به کشتن وی فتوا دهند، اما این بایانی بر فتنه‌های بایان نبود.

علی محمد شیرازی در حیاتش میرزایحیی نوری (۱۲۹۴-۱۲۰۹ ش)، معروف به صبح ازل، باب جانشینی خود برگزیده بود. اما، پس از مرگش، دیری نگذشت که میرزایحیی، از ترس مؤاخذه حکومت در مورد آشوب و ترورهای محمد با بایان، به بغداد گریخت.

از طرفی، برادر بزرگ‌ترش، حسینعلی نوری، که از نخستین گروندگان به علی محمد شیرازی و او را حاضر در اجتماع بدشت^۴

با ایشان معرفی کرده بود، باب لقب گرفت. در حالی که بعد از او باییه و آغاز غیبت کبری حضرت (ع)، باب نیابت خاص مسدود شد.

۱. «من همان قائم حقی هستم که شما به ظهورش وعده داده شده‌اید» فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۳، پاورقی ص ۱۶۰.

۲. عبدالبهاء، مفاد ذات، ص ۱۱۶.

۳. «همانا علی محمد ذات خدا و هستی اوست.» (علی محمد شیرازی، باب، بی‌نشری، واحد ۳، باب ۱۵).

۴. هنگامی که علی محمد باب در قلعه چهریق زندانی بود، پیروان و طرفدارانش در بدشت (روستا و دشتی در دهستان حومه از توابع شاهرود) دور هم جمع شدند. این اجتماع با دو هدف نقشه برای آزادی باب و ساختارشکنی و اعلام نسخ اسلام تشکیل شد که برای منظور دوم از حضور زنی به نام فاطمه زرین تاج برغانی قزوینی (۱۲۳۰-۱۱۹۳ ش) معروف به طاهره قره‌العین در جمع خود استفاده کردند و او با پوششی نامناسب بین مردان حضور می‌یافت. طاهره از پیروان شیخیه بود که با شروع دعوت علی محمد باب به این فرقه پیوست.

بود، به دلیل همدستی در ترور- هرچند ناموفق- شاه در زندان به سر می برد. اینجاست که حمایت استعمارگران از فرقه سازی و مخدوش کردن اعتقادات مردم به شکلی آشکارتر در تاریخ به چشم می خورد. در عرض چهار ماه، حسینعلی را، که مسئول ترور شخص اول مملکت و از سردمداران بایان آشوبگر بود، با وساطت مستقیم کمیسول روسیه آزاد کردند و از میان همه زندانیان، مجازات او را از ترور به تبعید تقلیل دادند. او هم، به درخواست خود، عراق را انتخاب کرد. بنابراین، وی در حالی که محافظی از دولت امپراتوری روسیه تراری نگماشته ای از حکومت ایران برای اطمینان خروج او از کشور همراهی می کردند، نزد برادرش رفت.

در بغداد، میان آن دو برادر شکاف، درگیری و در پی آن فجایعی ایجاد شد؛ تا جایی که گروهی با رهبری زیرزمینی حسینعلی نوری به قلع و قمع گروه دیگر بایان مشغول شدند. آن ها مخالفان خود را در روز روشن، میان بازار باغچرخ و قمه پاره پاره می کردند و می کشتند و اجسادشان را به دجه می انداختند. حکومت عثمانی، که در آن زمان عراق را در سیطره داشت، به دلیل رفتار زشت و آشوبگرانه بایان، آنان را به استانبول تبعید کرد. در همین برهه بود که حسینعلی علناً زیر بار انتخاب باب نرفت و با استناد به سخنان او و بشارت مریدانش به ظهور بعدی، ادعای «من یظفره اللهی» کرد. هرچند در آثار باب وعده این ظهور در حدود ۱۵۰۰ سال بعد داده شده، نوری فقط هجده سال بعد خود را همان موعود باب معرفی

و یکی از رهبران آن شد. وی هفدهمین نفر از حروف حی است. اقدام وی در بدشت موجب شد افراد بسیاری به فتنه انگیزی بابت پی ببرند و آن جمع را ترک کنند. قره العین روحیه ای مستبد و خونریز داشت، ولی به رغم اسناد تاریخی جنایات این زن، امروزه بهائیان با کتمان جنبه های خشونت آمیز و غیرانسانی زندگی وی، او را سبیل روشنفکری زنان معرفی می کنند.

کرد. هر چند وی در ادامه، همچون باب، ادعای خدایی هم کرد!^۱ در پی این ادعا، خود بایان چندین شاخه شدند و پیروان حسینعلی نوری بهائی نام گرفتند. ضمناً طی این نزاع‌های درونی، اسرار زیادی از بدکاری‌های یکدیگر رو کردند و حتی مشخص شد بخش عمده‌ای از خود بابی‌ها جیره‌خوار و تحت حمایت نول‌ترک و انگلیس بودند.^۲ به طور کلی، اسناد بسیاری پیرامون حمایت دولت‌های بیگانه از بابیت و تبع آن بهائیت وجود دارد.^۳ بعد از گبی‌های چندین‌باره، در نهایت، عثمانی بهائیان را به عکا^۴ فرستاد. دیگر جنایت‌ها و فعالیت‌های بهائیان در این قسمت تاریخ هم محالی مفصل می‌طلبد. به طور خلاصه، باید گفت، با وجود مخالفت‌های درون‌فرقه‌ای، از آنجا که حسینعلی حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی دولت روسیه را به همراه داشت، بر مخالفانش چیره شد.

هدف اولیه استعمارگران از حمایت این فرقه‌ها ایجاد تفرقه و شکست اقتدار تشیع بود تا زمینه را برای سلطه بیگانگان فراهم کند. این دشمنی مستقیم با تشیع در آثار حسینعلی نوری هم صراحتاً ذکر شده است.^۵ بعد از حسینعلی، پسرش، عباس افندی (۱۳۰۰-۱۲۲۳ ش)، ملقب به عبدالبهاء، بر هم‌سالان درگیری‌های درون‌خانوادگی و ریزش بخش دیگری از بهائیان جانشین پدر شد.

۱. «وقتی در زندان گرفتار بود: نیست خدایی جز من زندانی تنها» (بهاء)، آثار قلم اعلیٰ، ج ۱، لوح ۳۹.

۲. سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۹۶.

۳. رک: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، تهران: مهرام، ۱۳۸۲، ص ۲۸۳-۲۷۱.

۴. عکا از شهرهای مهم فلسطین اشغالی، واقع در قسمت شمالی این کشور و در کرانه مدیترانه است.

۵. «بگو ای مردم! اگر به نور ایمان فائز نمی‌شوید [بهائی نمی‌شوید]، از ظلمت حزب شیعه خود را خارج نمایید...» (اشراق خاوری، مائده آسمانی، ج ۴، ص ۱۴۱).

بهائیت در آن روزهای پرتلاطم نفوذ اسرائیل به فلسطین نقشی میدانی و کاتالیزورگونه را در جهت مقاصد رژیم صهیونیستی برعهده داشت؛ طوری که عباس افندی به واسطهٔ خوش خدمتی به انگلستان از طرف این کشور نشان شوالیه دریافت کرد. در این زمان، بهائیان ضمن بازدید از کشورهای اروپایی- امریکایی سعی کردند به خود رنگ و بوی امروزی ببخشند و بسیاری از آموزه‌های پیشین خود را که از باب داشتند، ملغی و حتی معدوم کنند. به طور کلی، بخش عمده‌ای از عملکرد کنونی فرقه برگرفته از آثار عباس افندی است.

عباس افندی از سال ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۲ش از طریق مصر به اروپا و امریکا سفر کرد. در آنجا با آداب و فرهنگ غربی آشنا شد. نتیجهٔ عملی این برخورد، ارائهٔ اصول و تعالیمی بود که به تعالیم دوازده‌گانهٔ بهائی معروف است. درواقع، وی با آمیختن برخی از گفته‌های حسینعلی نوروزی با تأکرات غربی، اصولی را به نام «تعالیم دوازده‌گانهٔ بهائی» ارائه کرد که نه تنها «بداعی نوین نیست و بخش زیادی از آن بدیهیات اخلاقی و اشاره‌شده در ادیان الهی‌اند، بلکه بیشتر جنبهٔ تبلیغی دارد و بسیاری از دستورات عمل‌های بهائیت در عالم واقع در مغایرت با این اصول قرار می‌گیرد». بهائیان با استفاده از این اصول، تبلیغاتی گسترده در جهت امروزی شدن باور خود به راه انداخته‌اند. این دوازده مورد عبارت‌اند از: ۱. تحقق حقیقت، ۲. وحدت عالم انسانی، ۳. صلح عمومی، ۴. تطابق دین با علم و نقل، ۵. دین سبب الفت و محبت است، ۶. ترک تعصبات، ۷. وحدت لسان و خط، ۸. تساوی حقوق رجال و نساء، ۹. تعلیم و تربیت عمومی اجباری، ۱۰. بیت‌العدل اعظم، ۱۱. تعدیل معیشت عمومی و ۱۲. عالم محتاج نفثات روح القدوس.